

در سایه جنگ اوکراین

من حفظ روابط خوب با روسیه به اوکراین کمک می‌کنند؟

زمان حمله روسیه به اوکراین ۱۲۲ هزار اوکراینی به بوسنی و هرزگوین رفتند اما اکثر این افراد پس از مدتی بوسنی را به مقصدهای دیگری ترک کردند.

▼ سکوت معنی دار روسیه

اینکه صربستان و بوسنی و هرزگوین (اصلی‌ترین تولیدکنندگان سلاح و مهمات در منطقه) که تحت فشارهای شدید اتحادیه اروپا و آمریکا حاضر به تحریم روسیه یا کاهش سطح روابط اقتصادی و سیاسی با مسکو نشدند از طریق فروش تسلیحات به اوکراین کمک می‌کنند یک سوی ماجراست اما سوی دیگر ماجرا جایی است که روسیه به‌رغم آگاهی از اقدامات این کشورها اجازه نمی‌دهد روابط دوجانبه تحت تأثیر قرار بگیرد.

بالکان اینسایت نوشته است: «صادرات سلاح از صربستان به اوکراین به‌طور غیرمستقیم و از طریق کشورهای ناتو صورت می‌گیرد اما به اندازه‌ای اهمیت دارد که شاید بتوان تأثیر آن را از کمک‌های برخی کشورهای عضو ناتو مثل کرواسی یا اسپانیا مهم‌تر دانست. کمک‌های صربستان به‌ویژه صادرات گلوله‌های توپ این کشور به اوکراین باعث می‌شود تمام تلاش روسیه برای خالی کردن انبارهای تسلیحات اوکراین خنثی شود و پیشروی روس‌ها مستقیماً تحت تأثیر قرار گیرد.»

روسیه مستقیماً واکنشی به این موضوع نداشت اما زمانی که یک خبرنگار این موضوع را در قالب سوال از دمیتری پسکوف، سخنگوی کاخ کرملین پرسید او اظهار داشت که آن را با «دوستان صربمان» مطرح خواهیم کرد. ماریا زاخارووا، سخنگوی وزارت امور خارجه در اظهارنظرهای خود حتی اشاره‌ای هم به این موضوع نداشت. الکساندر گروشکو، معاون وزیر امور خارجه روسیه در سفر خود به بلگراد در اول و دوم جولای، دست‌کم در عرصه عمومی هیچ اشاره‌ای به موضوع صادرات سلاح از صربستان به اوکراین نکرد و ترجیح داد بدون اشاره به این موضوع سفر خود را به پایان برساند. حتی سفارت روسیه در بلگراد هم کوشید تا جلوی طرح هرگونه گمانه‌زنی پیرامون گفت‌وگوی گروشکو با مقام‌های صرب درباره موضوع تسلیحات صربستان را بگیرد.

مسکو از شنیدن خبر ارسال تسلیحات صربستان به اوکراین چندان حیرت‌زده نشد که نتواند واکنش نشان دهد.

این واقعیت که صربستان به اوکراین سلاح ارسال می‌کند، دست‌کم از اوایل سال ۲۰۲۳ و با انتشار اولین افشاگری‌ها، دیگر یک راز پنهان نبود. در آن زمان مسکو وعده داد که این موضوع را بررسی کند، اما همچنان الکساندر ووچیچ را به‌عنوان یک دوست عزیز و شریک قابل اعتماد می‌ستاید. این خویشتنداری غیرمعمول روسیه نتیجه روشی است که ووچیچ برای مدیریت روابط صربستان با روسیه به کار می‌برد. به‌عنوان کسی که از دنیای سیاست‌های پیچیده پساکمیونیستی می‌آید، ووچیچ به‌خوبی می‌داند که سیاست‌های روسیه نه براساس منافع ملی انتزاعی، بلکه بر مبنای دستور کار شخصی مقامات آن شکل می‌گیرد.

بنابراین، به جای اینکه تلاش کند روسیه به‌عنوان یک کل را به خود علاقه‌مند کند، بسیار کارآمدتر است که دوستانی در داخل رژیم روسیه پیدا کند و مخالفان را به سکوت وادارد. حتی جنگ در اوکراین و انزوای روسیه از اروپا نیز نتوانسته مانع شبکه‌سازی ووچیچ در مسکو شود. در حال حاضر شرایط برای ووچیچ به‌قدری نامطلوب است که نه می‌تواند با پوتین ملاقات کند و نه حتی با او تماس بگیرد، اما ارتباطات شخصی میان رهبران دو کشور همچنان ادامه دارد. در غیاب ووچیچ، دستیار وفادارش، الکساندر ولین، در مسکو درهای مختلفی را می‌کوبد تا بلگراد را در نظر افراد قدرتمند روسیه محبوب نگه دارد.

▼ روسیه چه منافعی در بالکان دارد؟

یکی از دلایل اصلی روسیه برای سکوت و نادیده گرفتن اقدامات کشورهای بالکان را می‌توان به منافعی مربوط دانست که مسکو در منطقه بالکان دارد.

مسکو برای مدتی طولانی نقش نیروی برقرارکننده توازن را در منطقه بالکان بر عهده داشت و به حمایت از متحدان صرب می‌پرداخت. قدمت روابط روسیه با کشورهای بالکان به قرن‌ها قبل و زمان امپراطوری روسیه بازمی‌گردد که روابط فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و مذهبی مسکو با کشورهای بالکان توسعه یافت؛ به‌ویژه در دوره‌ای که مردم این منطقه از سوی مسیحیان کاتولیک و مسلمانان عثمانی احاطه شده بودند، روسیه در نقش حامی اصلی مسیحیان ارتدوکس و اسلاوها ظاهر شد و این باعث شد روابط

روسیه با کشورهای منطقه به‌ویژه بلغارستان، رومانی و صربستان ارتقاء قابل توجهی پیدا کند.

در دوره‌های اخیر، روسیه به اقدامات و دخالت‌های کشورهای غربی در حوزه بالکان که در بمباران کوزوو (۱۹۹۹) متفاوت‌تر از گذشته نمود یافت، به‌عنوان نشانه‌ای از تضعیف جایگاه خود در منطقه نگاه می‌کند. پوتین که یک سال بعد از این واقعه به قدرت رسید، حملات ناتو به نیروهای صرب و رفتار مداخله‌جویانه غرب در کوزوو را نماندگی از نادیده گرفته شدن نقش و منافع روسیه در تصمیم‌گیری‌های بین‌المللی می‌دید. همین مسئله باعث شد، دولت او با دادگاه‌های بین‌المللی رهبران صرب مخالفت کند، نیروهای حافظ صلح خود را در سال ۲۰۰۳ از کوزوو بیرون بکشد و مانع از به رسمیت شناخته شدن کوزوو توسط سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۸ شود. در دهه گذشته، مسئله دستیابی به دریای آدریاتیک هم برای روسیه اهمیت زیادی داشت اما با پیوستن مونتنگرو به ناتو در سال ۲۰۱۷ آخرین بنادر غیرناتویی این دریا نیز به بخشی از بنادر زیر نفوذ ناتو بدل شدند.

زیر نظر پوتین، روسیه تلاش داشته تا جایگاه خود را در عرصه بین‌المللی و به‌ویژه در اروپا باز یابد. استانیسلاو سکرریو، تحلیلگر امنیتی اهل اروپا در این خصوص می‌نویسد: «برای پوتین و ایده‌های او درباره آنچه بازگشت چندجانبه‌گرایی به دنیا می‌خواند، منطقه بالکان اهمیت زیادی دارد. دقیقاً در نقطه مقابل وضعیتی که از نگاه روسیه، نظم یکجانبه آمریکایی تعریف می‌شود.» یکی دیگر از موضوعاتی که باعث می‌شود روسیه به ابقای نفوذ و قدرت خود در بالکان علاقه داشته باشد، نگرانی از توسعه بیشتر ناتو به شرق است. این تحلیلگر امنیتی اهل اروپا، تأکید دارد که رهبران غربی تعهد خود مبنی بر عدم توسعه ناتو به شرق را زیر پا گذاشتند و با توسعه این ائتلاف به شرق به دنبال محاصره و نابود کردن روسیه هستند. روسیه توسعه روابط با کشورهای بالکان را راهی برای جلوگیری از حل شدن آن‌ها در نهادهایی مثل اتحادیه اروپا و ائتلاف‌هایی مثل ناتو می‌بیند.

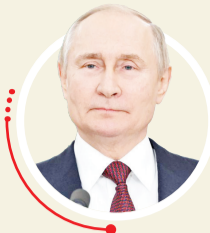
رویکرد روسیه در راستای یافتن راه‌های کم‌هزینه برای اعمال نفوذ در بالکان، تلاش برای گندکردن ادغام بالکان در نهادهای غربی و همچنین تعمیق روابط خود با صربستان و گروه‌های صرب در دیگر کشورهای منطقه است. این کشور برای گند کردن ادغام کشورهای بالکان در نهادهای غربی، در پی دامن زدن به اختلافات منطقه‌ای و تشدید تنش بین جوامع قومی و مذهبی است. علاوه بر این، روسیه از نهادهای اقتصادی قدرتمند خود از جمله گازپروم و اسپر بانک برای سرمایه‌گذاری و وابسته‌سازی اقتصادی کشورهای منطقه استفاده می‌کند تا نفوذ خود را بیشتر کند. مسکو از راهکارهای نرم نیز برای این منظور بهره می‌گیرد. روس‌ها با حمایت غیررسمی از باشگاه‌های ورزشی، مدارس، مراکز مذهبی و رسانه‌ها قدرت نرمی کسب می‌کنند که از آن برای دستیابی به اهداف خود بهره می‌جویند.

نمونه‌های این اعمال نفوذ روسیه در صربستان قابل توجه هستند. در درگیری میان صربستان و کوزوو، روسیه با مسدود کردن مسیر به رسمیت شناخته شدن استقلال کوزوو در سازمان ملل متحد، خود را در قامت مدافع تمامیت ارضی صربستان و مدافع مردم صرب معرفی کرده و روابط دوستانه‌ای با گروه‌های صرب برقرار کرده است. مسکو همچنین توانسته، کلیسای ارتدوکس صربستان را به کلیسای ارتدوکس روسیه نزدیک و وابسته کند که همین مسئله باعث شده تا اغلب مواضع کلیسای ارتدوکس صربستان تابعی از مواضع کلیسای ارتدوکس روسیه باشد. در حوزه انرژی روسیه از طریق گازپروم بخشی از سهام شرکت ملی نفت صربستان را در اختیار گرفته است و هم‌زمان میزان قابل توجهی گاز طبیعی به این کشور صادر می‌کند. در دوره کووید ۱۹ نیز روس‌ها در واکنش به کمبودها در صربستان، با سرعتی مثال‌زدنی مقدار زیادی دارو و واکنس اسپوتنیک برای این کشور ارسال کردند.

در مقابل، عمده تلاش کشورهای غربی از دهه ۹۰ میلادی به این سو، از جمله حمله به نیروهای صرب و وادار کردن صرب‌ها به شنیدن بر سر میز مذاکره نوعی تلاش برای عقب راندن کشورها و گروه‌های نزدیک به روسیه و هم‌زمان بازگرداندن نوعی ثبات مطلوب خودشان در بالکان است.

تحلیلگران غربی هشدار می‌دهند رویکرد دولت‌های غربی و تمرکز آن‌ها روی موضوع بازگرداندن ثبات یک نقطه ضعف برای آن‌ها بوده چراکه آن‌ها را از توجه به ضرورت افزایش همکاری‌های اقتصادی و سیاسی با کشورهای منطقه باز داشته است. از سوی دیگر، از سال ۲۰۱۳ که کرواسی توانست عضو اتحادیه اروپا شود، بیشتر کشورهای بالکان در وضعیت کاندیدای عضویت در اتحادیه اروپا باقی مانده‌اند و به دلیل حل نشده باقی ماندن اختلافات ارضی و برخی مسائل دیگر همچنان پشت درهای اتحادیه اروپا در انتظار ایستاده‌اند. ایوان استرادنر، تحلیلگر آمریکایی اینترپرایز می‌گوید: «انفعال غرب» می‌تواند فضا را برای نفوذ روسیه باز کند. چارلز کاپچان، انتقاد مشابیهی هم نسبت به ایالات متحده دارد و معتقد است توجه ویژه آمریکا به شرق آسیا و خاورمیانه مانع از آن شده است که واکنشگتن رویکرد صحیحی در منطقه بالکان اتخاذ کند. او باور دارد رویکرد کنونی به‌گونه‌ای است که گویا واکنشگتن بالکان را به حال خود رها کرده است.

سیاستمداران



دیدار با علی‌اف و پاشینیان

یوری اوشاکوف، مشاور پوتین روز گذشته اعلام کرد رئیس‌جمهور روسیه با رئیس‌جمهور آذربایجان و نخست‌وزیر ارمنستان دیدارهای دوجانبه‌ای را در مسکو انجام خواهد داد. بنا بر گزارش رسانه‌های روسیه، ارمنستان و جمهوری آذربایجان، سران ایروان و باکو در نشست کشورهای «مستقل مشترک المنافع» (CIS) در مسکو شرکت می‌کنند اما قرار نیست نشست مشترک سه‌جانبه بین آنها برگزار شود. اوشاکوف گفت که در این دیدارهای دوجانبه، «درباره مسائل مربوط به عادی‌سازی روابط بین آذربایجان و ارمنستان مورد بررسی قرار خواهد گرفت.» مشاور و دستیار رئیس‌جمهور روسیه درباره اینکه چرانشست مشترک سه‌جانبه بین سران روسیه، ارمنستان و جمهوری آذربایجان برگزار نمی‌شود، حرفی نزد. نشست سه‌جانبه پوتین با علی‌اف و پاشینیان در تاریخ ۲۰ آبان ۱۳۹۹ بود که سبب آتش‌بس جنگ ۴۴ روزه ارمنستان و جمهوری آذربایجان بر سر قره‌باغ کوهستانی شد. به‌رغم برخی تنش‌های ماه‌های اخیر در روابط ارمنستان با روسیه، اوشاکوف با دفاع از مواضع مسکو گفت که «روسیه اینجا در حال ایفای نقش فعال و مثبت است.»



قیس سعید بار دیگر رئیس‌جمهور شد

با وجود پایین‌ترین میزان مشارکت رای دهندگان تونس، قیس سعید با کسب ۹۰/۶۹ درصد آرا برای بار دوم پیروز انتخابات ریاست‌جمهوری شد. فاروق بوساکر، رئیس شورای عالی انتخابات تونس نتایج انتخابات ریاست‌جمهوری در این کشور را که در ۶ اکتبر برگزار شده بود، اعلام کرد و بر اساس آن قیس سعید با کسب ۹۰/۶۹ درصد آرا برای بار دوم پیروز انتخابات ریاست‌جمهوری تونس شد. دیگر نامزدها زهیر المغزوی، رهبر جنبش مردمی ۱/۹۷ درصد آرا و العیاشی زمال، نماینده سابق نیز ۷/۳۵ درصد آرا کسب کردند. قیس سعید، استاد دانشگاه در رشته قانون اساسی بود و اولین بار در انتخابات سال ۲۰۱۹ به عنوان رئیس‌جمهور تونس انتخاب شد. میزان مشارکت در این انتخابات با ۲۸/۸ درصد پایین‌ترین میزان مشارکت از زمان انقلاب سال ۲۰۱۱ و سرنگونی حکومت زین‌العابدین بن‌علی دیکتاتور پیشین این کشور بوده است. این دوازدهمین انتخابات ریاست‌جمهوری تونس و سومین انتخابات از زمان سرنگونی حکومت زین‌العابدین بن‌علی در این کشور است.



فریاد دشمن را خواهید شنید

شیخ نعیم قاسم، معاون دبیرکل شهید حزب‌الله لبنان دومین سخنرانی خود از زمان شهادت سیدحسن نصرالله در ضاحیه بیروت را آغاز کرد. او تصریح کرد: «همه تلاش دارند ما را تحت فشار بگذارند که بترسیم؛ اما ما به آنها می‌گوییم که ما فرزندان شهید سیدحسن نصرالله هستیم. من نمی‌توانم وضعیت خود را بدون دبیرکل فقیدمان توصیف کنم، اما ما از قدرت او الهام می‌گیریم. مقاومت در یک جبهه طولانی در مقابل رژیم اشغالگر گسترش یافته است.» معاون دبیرکل حزب‌الله لبنان افزود که سیدحسن نصرالله برای صهیونیست‌ها میراثی از مقاومت مستحکم به جا گذاشته که در یک جبهه گسترده ادامه دارد. شیخ نعیم قاسم تصریح کرد که طوفان الاقصی یک رویداد استثنایی و آغازی بر تغییر چهره خاورمیانه است. این روایتی بزرگ با برکت است و مسیر درستی برای تغییر است. آنچه دشمن انجام می‌دهد، مبارزه نیست بلکه قتل انسانیت و ملت‌های آزاده است. اما اگر حمایت‌های آمریکا نبود، این تجاوز ظرف یک ماه متوقف می‌شد.

